صفحه‌آرا: مهدی سلامی

جامعه پدیا

معلم‌بلاگری فرصت یا تهدید؟

تصمیم وزارت آموزش و پرورش برای برخورد با «معلم‌بلاگری» و تأکید بر ممنوعیت استفاده تبلیغاتی از دانش‌آموزان، بار دیگر موضوع حضور معلمان در شبکه‌های اجتماعی را به یکی از مباحث حوزه آموزش تبدیل کرده است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا راه‌حل، ممنوعیت کامل معلم‌بلاگری است یا تدوین ضوابطی که بتواند ضمن حفظ حقوق دانش‌آموزان، از ظرفیت‌های این پدیده نیز بهره بگیرد؟

فاطمه منصورزاده، عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران، در گفت‌وگو با همشهری با تأکید بر رویکردی میانه معتقد است معلم‌بلاگری نه ذاتا پدیده‌ای منفی است و نه می‌توان آن را بدون چارچوب رها کرد، بلکه آنچه اهمیت دارد رعایت اخلاق حرفه‌ای و تدوین قواعد روشن برای فعالیت معلمان در فضای مجازی است.

معلم‌بلاگری؛ پدیده‌ای دووجهی

منصورزاده می‌گوید: «معلم‌بلاگری یکی از پدیده‌های تأثیرگذار و در عین حال دووجهی در نظام آموزش است. همه‌چیز به این بستگی دارد که معلم با چه هدفی، چه محتوایی و با چه میزان مسئولیت‌پذیری در فضای مجازی فعالیت کند. به باور من اگر این ظرفیت به‌درستی مورد استفاده قرار گیرد جنبه‌های مثبت آن بسیار پررنگ‌تر خواهد بود. معلم‌بلاگری نوعی حضور رسانه‌ای معلمان است که از طریق آن تجربه‌های آموزشی، فعالیت‌های کلاسی، شیوه‌های تدریس، دیدگاه‌های تربیتی و گاهی نیز بخشی از زندگی حرفه‌ای و شخصی خود را در شبکه‌های اجتماعی با دیگران به اشتراک می‌گذارند.» او تأکید می‌کند: «معلم‌بلاگری می‌تواند به ارتقای جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای معلمان نیز کمک کند. هنگامی که معلم ایده‌ها و تجربه‌های خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، در واقع به ارتقای کیفیت نظام آموزشی نیز یاری می‌رساند. همچنین توانمندسازی اقتصادی و حرفه‌ای معلمان از دیگر ظرفیت‌های این پدیده است.»

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | چند دهه قبل، سرشماری یک عملیات طولانی و میدانی بود. امسال نخستین سرشماری «ثبتی مبنا» یا Record-Based در ایران، بدون اینکه بیشتر مردم با مأموران آمارگیر روبه‌رو شوند، برگزار شده است. ستاد سرشماری کشور، اطلاعات اصلی مورد نیاز را از داده‌هایی که در سامانه‌های مختلف ثبت شده، جمع‌آوری کرده و با هم تطبیق داده است؛ بدون اینکه نیاز به پرسش از شهروندان باشد. فقط درصورت نیاز با ارسال پیامک از شهروندان خواسته می‌شود به پنجره «دولت من» مراجعه کنند. در این‌باره با علی اکبر محزون، دبیر ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ثبتی مبنا گفت‌وگو کرده‌ایم که بخش‌های مهم حرف‌های او را در ادامه می‌خوانید.

دبیر ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن در گفت‌وگو با همشهری، شیوه برگزاری سرشماری ۱۴۰۵ را تشریح کرد

سرشماری بدون مأمور

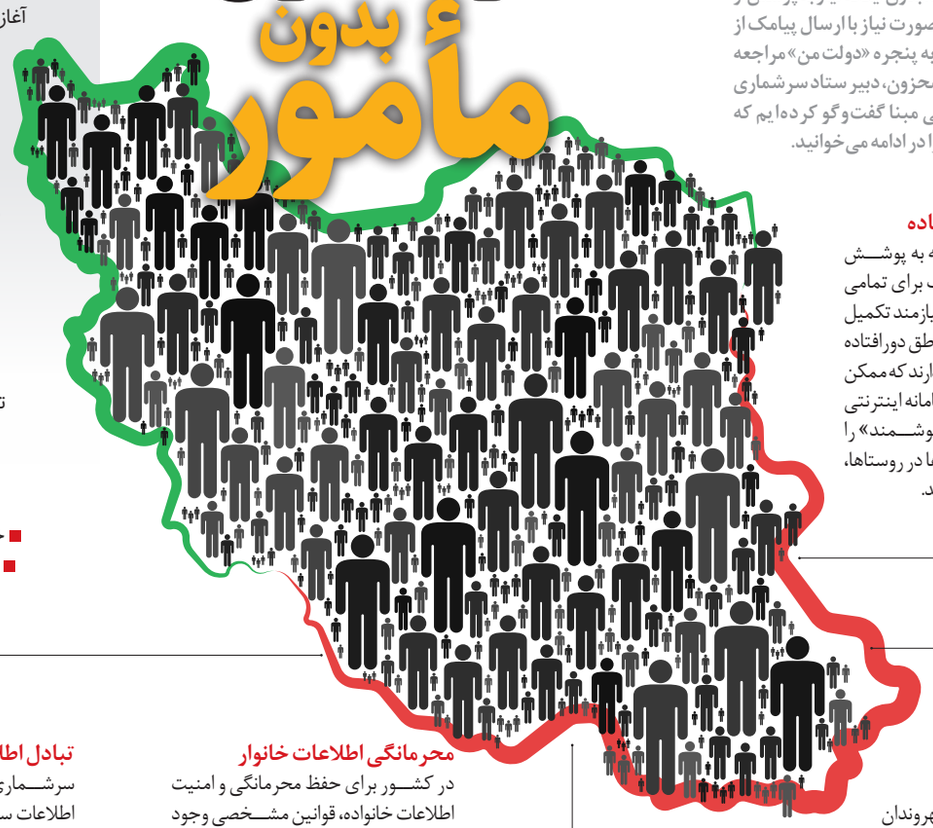

سالمندان مناطق دورافتاده

در مناطق دورافتاده با توجه به پوشش گسترده تلفن همراه، پیامک برای تمامی افرادی که اطلاعات ثبتی آنان نیازمند تکمیل بود، ارسال شد. در برخی مناطق دورافتاده گروه‌های سنی سالمند حضور دارند که ممکن است توانایی مراجعه به سامانه اینترنتی «پنجره ملی خدمات دولت هوشمند» را نداشته باشند. برای این گروه‌ها در روستاها، دفاتر خدمات ICT فعال هستند.

مغایرت اطلاعات

مبنای اصلی شناسایی شهروندان ایرانی، شماره ملی است که یک شناسه یکتا در سطح کشور محسوب می‌شود. برای اتباع غیرایرانی مقیم کشور نیز وزارت کشور، شناسه یکتا تعریف کرده است. استفاده از شناسه‌های یکتا موجب می‌شود خطاهای ناشی از همپوشانی اطلاعات کاهش یابد.

۵ میلیون نفر
جمعیتی که اطلاعات آنها به‌صورت حضوری گرفته می‌شود

محرمانگی اطلاعات خانوار

در کشور برای حفظ محرمانگی و امنیت اطلاعات خانواده، قوانین مشخصی وجود دارد؛ از جمله «قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» که در سال ۱۴۰۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. از شورای‌عالی و کارگروه‌های تخصصی گرفته تا دولت، مرکز تبادل اطلاعات و دستگاه‌های اجرایی هر یک مسئولیت مشخصی در حفظ امنیت و محرمانگی داده‌ها دارند.

تبادل اطلاعات در شرایط جنگی

سرشماری ثبتی مبنا، نیازمند دسترسی به اطلاعات سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف بود اما امسال کشور در شرایط جنگی قرار دارد و محدودیت‌های امنیتی، موانعی ایجاد کرده است. تصویب قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی در سال ۱۴۰۱ پشتوانه حقوقی لازم را فراهم کرده است و موجب شده اجرای سرشماری با همکاری مناسب دستگاه‌های مختلف به سرانجام برسد.

پایان بخش اصلی نخستین سرشماری «ثبتی مبنا» در ایران
افرادی که پیامک دریافت کرده‌اند به سایت دولت من مراجعه کنند

مهرماه
آغاز مرحله جمع‌آوری داده‌ها از دستگاه‌های مختلف

۲ آبان‌ماه
شروع مرحله خوداظهاری و میدانی که هنوز ادامه دارد

اول اسفند
تاریخ اعلام‌شده برای انتشار آمار نهایی سرشماری

۳ راه رفع تناقض اطلاعات
- خوداظهاری افراد در سایت دولت
- مراجعه حضوری مأموران آمارگیر
- تماس تلفنی

داده‌نما

۵۸ صدم متر؛ سهم هر دانش‌آموز از فضای ورزش!

سرانه ورزش دانش‌آموزان هنوز به یک‌مترمربع نرسیده است

۱۵۰۰۰ فضا
تعداد فضاهای ورزشی دانش‌آموزان پس از اضافه‌شدن ۳ هزار فضای جدید

۰/۵۸ مترمربع
سرانه جدید فضای ورزشی هر دانش‌آموز

۳۰۰۰ فضا
تعداد فضاهای ورزشی جدیدی که آموزش و پرورش برای توسعه سالانه آن هدف‌گذاری کرده است

۰/۴۸ مترمربع
سرانه فضای ورزشی تا پایان سال ۱۴۰۴

۱ مترمربع
هدف برنامه هفتم توسعه برای سرانه ورزش دانش‌آموزی



ترکیب فضاهای ورزشی مدارس تا پایان ۱۴۰۴

۴/۹۶۶ زمین چمن مصنوعی	۲/۸۵۳ سالن ورزشی سقف‌بلند
۱/۴۸۰ سالن ورزشی سقف‌کوتاه	۶۴۲ کفپوش ورزشی روباز
۲۱۶ استخر	۱۳۷ زمین چمن طبیعی
۱۱۱ زمین ساحلی	۶۳ پیست دوومیدانی

صفحه‌آرا: حامد یزدانی



گریستن برای فرودگاهی که پُر از خاطره بود

در روزهای گذشته چند ویدئو از فرودگاه بوشهر برای نخستین بار منتشر شد که در آن لحظات نفسگیر برخورد مستقیم موشک به هواپیماهای حاضر در باند فرودگاه به چشم می‌خورد. شاید عده‌ای در قامت یک خبر تلخ از روزهای جنگ تحمیلی سوم، این ویدئو را وارسی کرده باشند، اما تماشای این لحظات برای بوشهری‌ها و آنهایی که بارها پای در فرودگاه ساده و کوچک این شهر گذاشته‌اند، اتفاقاتی فراتر از ثانیه‌های یک ویدئوی خبری را رقم زد. همین حس باعث شد که لحظه انفجار هواپیمای مسافربری فرودگاه بوشهر در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شود و کاربرانی مانند کاربر بوشهری از غم این فرودگاه بنویسند: «چقدر ما گریستیم. فرودگاه بوشهر، آبادی شهر ما بود.»

۳ دقیقه طلایی برای گرفتن امضای حیاتی

گزارش میدانی همشهری از پشت درهای اتاق هماهنگی برداشت نسوج پزشکی قانونی که کمتر کسی از آن خبر دارد

مکث

درک سوگ و حرمت میت و حقوق اولیای دم



اولیای دم یکی از تازه‌درگذشتگان بهشت‌زهرا(س) وارد اتاق هماهنگی برداشت و پیوند نسوج می‌شوند؛ پسر و دختری جوان که پدر و مادر خود را بر اثر تصادف از دست داده‌اند. آنها نیز مانند اکثریت اولیای دم که سر از این اتاق درمی‌آورند، بین سوگ و حیرت، سرگردانند. پسر، حدودا ۲۰ ساله می‌پرسد: «داستان چیه؟» لیلا دیانسی، یکی دیگر از مشاوران هماهنگ‌کننده دعوتش می‌کند به نشستن. عبدی در حال، تدارک شربتی شیرین با عطر گلاب است. سهرابی به کمک دیانسی می‌آید: «خدا پدر و مادرتون رو رحمت کنه...» اما هنوز از حاشیه به اصل مطلب نرسیده که دختر، شستش خبردار می‌شود و داد و هوار می‌کند: «داداش می‌دونی اینا چی می‌خوان؟ تیکه‌های بدن مامان و بابا رو می‌خوان...». پسر، خونش به جوش می‌آید و مهداد محسنی برای جلوگیری از پرخاش و درگیری احتمالی با احترام و آرامش، وارد عمل می‌شود. دقایقی بعد، دختر و پسر، به سوی خروجی تطهیرخانه‌ها در سالن انتظار عروجیان بازمی‌گردند. عبدی، نفس عمیق می‌کشد و گفت‌وگو را پی می‌گیرد: «قرار نیست همه رضایت بدن به اهدا.» پیکر درگذشتگان آن دسته از اولیای دم که رضایت اهدای نسوج متوفایشان ثبت شده، بلافاصله به اتاق جراحی ویژه اهدای نسوج پزشکی قانونی، انتقال داده می‌شود. جراحی برداشت نسوج با ترمیم و جای‌گذاری پروتز در نواحی تخلیه‌شده همراه است. این جراحی با توجه به نوع بافت و سختی و پیچیدگی برداشت، بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه طول می‌کشد. پیکرها در کمتر از یک ساعت، برای خاکسپاری به اولیای دم تحویل داده می‌شوند.

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | صبح تا حوالی عصر، جایی میان بیش از یک میلیون و ۷۰۰ قبر پُر و ۴۰ هزار قبر خالی بهشت‌زهرا(س)، پی گرفتن رضایت و امضای سوگواران برای برداشت قرنیه چشم، دریچه قلب، چند سانتی‌متری استخوان گردن یا لگن یا ران، قدر کف دستی پوست و نسوج دیگر از پیکر تازه درگذشتگان‌شان هستند. فرصت چندانی ندارند و باید پیش از تکفین پیکرها رضایت بگیرند. گاهی برای گرفتن رضایت اهدای نسوج یک متوفی، باید با ۱۷ نفر حرف بزنند؛ ۱۷ فرزندی که هرکدام داغ پدر دارند و باید درباره بدن او تصمیم بگیرند. ۴ روانشناس در بهشت زهرا(س) کارشان همین مکث‌های دشوار است؛ آدم‌هایی که کمتر کسی از حضورشان خبر دارد و هر روز باید در میان انکار، ناباوری، مخالفت و گاهی رضایت، راهی برای گفت‌وگو با خانواده‌های داغدار پیدا کنند. کسب رضایت برای اهدای نسوج، تشریفات و قواعد خودش را دارد، پای امضای شاهد و ضبط مکالمات هم به میان می‌آید.

اتاق مذاکره به وقت مرگ برای زندگی

صدای هق‌هق گریه و سوز سوگ در سالن‌های انتظار و اقامه نماز میت و فروش ترمه و تابلونویسی در عروجیان بلند است و جمعیت سیاه‌پوش در رفت‌وآمدند؛ بعضی با چشم‌های خیس و پف‌کرده و بعضی نیز خمیده و افتاده به دوش خویشاوند و دوستی که برای سوگ همراهی‌شان می‌کند. هر چند دقیقه میان هیاهوی جملات پرتکرار «بابای خوبمو نبرید»، «از حالا دیگه بدبخت شدم» یا «این چه بلایی بود»... صدای بلندگوهای سقفی می‌پیچد: «بستگان مرحوم مختاری، مرحوم بزازی و بستگان مرحومه همتی به خروجی تطهیرخانه‌های مردانه و زنانه مراجعه کنند». جلوی خروجی تطهیرخانه مردانه، بستگان فراخوانده شده به سر و صورت می‌کوبند. زنی میانسال و مردی جوان، یکی از جمع آن چند بستگان هستند که مهداد محسنی، دستیار پزشک پزشکی قانونی بعد از معرفی خود، آنها را به بیرون سالن انتظار، به سوی ساختمان پذیرش، طبقه همکف، مقابل اتاقی بدون تابلوی مشخصات هدایت می‌کند. همین که زن، نوشته «لطفا بدون هماهنگی، وارد نشوید» را بر کاغذ چسبیده به درگاه اتاق می‌خواند، مرد از مهداد می‌پرسد: «آقا چیزی شده؟ اینجا کجاست ما رو آوردی؟». طولی نمی‌کشد که از نام و نشان اتاق سر درمی‌آورند؛ «اتاق هماهنگی برداشت و پیوند نسوج پزشکی قانونی.»

اهدا در گرو آداب و سنت

اتاق هماهنگی برداشت و پیوند نسوج، خیلی بزرگ نیست؛ کمی کمتر از ۱۲ متر است. شلوغ هم نیست؛ یک طرف، ۲ میز و چند صندلی و طرف دیگر کمدی انباشته از زونکن‌های رنگارنگ جاگیرند. آزیتا عبدی، یکی از ۴ مشاور هماهنگ‌کننده برداشت و پیوند نسوج است که ۹ سال در این اتاق متفاوت نشسته و از بستگان درگذشتگان بسیاری، رضایت و امضای برداشت نسوج گرفته‌است. روانشناسی بالینی تا مقطع ارشد خوانده و مادر ۲ دختربچه بازیگوش است: «اهدا و پیوند نسوج با اهدا و پیوند عضو فرق داره. نسوج فقط از پیکر افراد فوت شده (کمتر از ۲۴ ساعت) و با اجازه اولیای دم، برداشت می‌شه. این نسوج، شامل بافت‌های غیرعضوی‌هستن، مثل قرنیه چشم که مرگ و زندگی کسی بهش وابسته نیست ولی کیفیت زندگی و سلامتیش به دریافت این بافت بستگی داره؛ یعنی پیوند قرنیه چشم، می‌تونه بینایی رو محفوظ نگه داره.» فعالیت مراکز هماهنگی برداشت و پیوند نسوج کشور از سال ۱۳۸۹ آغاز شده که در حال حاضر تعداد این مراکز در کشور انگشت‌شمار است. عبدی در این‌باره می‌گوید: «مشابه این اتاق و مرکز در کشور در مشهد، شیراز، شهرکرد و البرز هم راه‌اندازی شده... معمولا مشاوراشون هم از جمع متخصصای خانوم انتخاب می‌شن.» حساب رضایت‌هایی که از اولیای دم متوفیان گرفته، از دستش دررفته: «پرونده‌هایی که روزانه میاد از ۲ ورودیه؛ یکی بهشت‌زهرا که میانگین روزانه‌ش ۴۰ تا ۵۰ تاست. یکی هم پزشکی قانونی با میانگین روزانه ۱۳۰ تا ۱۴۰ مورد.» از مجموع این پرونده‌ها: «روزی ۲ تا ۳ مورد به امضای رضایتنامه اهدای نسوج ختم می‌شه. بین ۳۰ تا ۴۰ روز هم یه پیکر کامل، اهدا می‌شه.» بعضی روزها اما خبری از رضایت نیست؛ حتی یک رضایت برای یک بافت کوچک: «قرنیه چشم بیشترین اهدا رو داره. از طرفی هم بیشترین متقاضی پیوند براش هست. پیکرایی رو داشتیم که ازشون بیشترین تعداد بافت اهدایی، برداشت شده؛ از ۵ تا ۱۳ بافت.»



فرصت اندک برای پیشنهاد اهدای نسوج

مریم سهرابی، یکی دیگر از مشاوران هماهنگ‌کننده برداشت و پیوند نسوج، پیش از اینکه پرونده‌ای برای گرفتن رضایت برداشت نسوج زیر دستش باز شود، وارد گفت‌وگو می‌شود: «تو کمتر از ۲۴ ساعت باید برداشت از پیکر انجام بشه. بررسی اولیه اجساد رو دکترای پزشکی قانونی و بهشت‌زهرا انجام می‌دن تا مطمئن شن پیکر، استانداردهای اهدا رو داره. مثلا سن متوفی آقا باید زیر ۵۰ سال و متوفی خانوم زیر ۵۵ سال باشه، یا اینکه متوفیان دچار بیماری خاص، عفونی و اعتیاد نبوده باشند یا عدم‌سابقه بستری تو کمپ و نداشتن خالکوبی‌های خطرناک.» همین که پیکری به تأیید پزشکی برای اهدای بافت و نسوج می‌رسد، کار سهرابی و همکارانش آغاز می‌شود: «پرونده‌هاشون به ما ارجاع داده می‌شه. ما هم باید توی ۳ دقیقه (در شرایط ویژه تا ۵ دقیقه) رضایت اولیای دم رو بگیریم. به ۲ دلیل، زمان برای رضایت‌گرفتن از بستگان درجه یک متوفی، محدوده؛ یکی، به‌خاطر سرشلوغی بستگان از برگزاری مراسم ترحیمه که نمی‌شه خیلی مزاحمشون شد و یکی دیگه هم، به‌خاطر ماهیت کار ماست؛ ما قرار نیست توی شرایط سوگ، بستگان رو تحت فشار تصمیم‌گیری بذاریم. ما فقط اهدای نسوج رو با یه شرح مختصر، به‌عنوان پیشنهاد مطرح می‌کنیم.»